

نیل نیکاندروف (Nil nikandrov) دارنده درجه روزنامه نگار بین المللی، نویسنده و مؤلف مقالات سیاسی - اجتماعی

مترجم: ا.م. شیری

پاکسازیها در سازمان سیا در متن آتش سوزی اوکراین

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۰۵/۲۵/zachistki-v-cru-na-fone-ukrainskogo-pozhara-۲۷۶۶۵.html>

۷ خرداد- جوزا ۱۳۹۳

آمار خودکشی در میان مأموران سازمان سیا در طول یک دهه اخیر بطور مدام افزایش می یابد. دستیابی به اطلاعات دقیق در باره چنین تلفاتی دشوار است: این قبیل اطلاعات از نگاه نهادهای جاسوسی، اطلاعات محرمانه محسوب می شوند. ولیکن اگر بر روی آمار آشکارا آب و تاب داده شده در خصوص نیروهای مسلح آمریکا با رشد سالانه خودکشی از ۲۵۰ تا ۴۰۰ مورد تمرکز کنیم، در این صورت، نمودار آن در سازمان سیا در حوالی ۳۰ الی ۵۰ فقره در نوسان است.

اگر فعالیت مأمور «تحت الحمایه» باشد و مقام بسیار مهمی را احراز نکند، بمنظور احتراز از جلب توجه افکار عمومی به بروز دائمی مشکلات در امور مدیریت پرسنل، سعی می کنند وابستگی تشکیلاتی او را فاش نسازند. اما هنگامیکه افراد عالی مقام در سازمان سیا در نهایت با زندگی وداع می کنند، مخفی نگاه داشتن حادثه بسیار دشوار است.

بطوریکه مدتی قبل «واشنگتن تایمز» گزارش داد، یک مأمور عالی رتبه سازمان سیا در اوایل ماه آوریل از طبقه پنجم یکی از ساختمانهای واقع در شمال ایالت ویرجینیا خودش را به پائین انداخت. **کریستوفر وایت**، سخنگوی سازمان سیا اعلام کرد: «ما می توانیم تأیید کنیم که این شخص در اتاق کار خود بطرز مهلکی زخمی شد. او را به بیمارستان محل منتقل کردند، اما در همانجا درگذشت».

«واشنگتن تایمز» در خصوص محل کار او اطلاعات بیشتری بدست نمی دهد، اما مرکز فرماندهی سازمان سیا درست در آنجا، در **لانگلی** واقع است. این گزارش همچنین نام فرد خودکشی کننده را مشخص نکرده است. انگیزه خودکشی، در اصل، مثل همیشه سنتی است:

امتناع از بحث و بررسی علنی بمنظور احتراز از وارد کردن صدمات روحی و روانی به اعضای خانواده او. اما زمان می گذرد، تألمات روحی تسکین می یابند، اما رسانه های جمعی آمریکای شمالی به سکوت خود همچنان ادامه می دهند. هیچ اطلاعات دیگری در باره خودکشی کننده که او را به سمت انتخاب غم انگیز سوق داد، بدست نمی دهند!

چه اتفاقی در مرکز فرماندهی سازمان سیا افتاده است؟ چرا مهره برجسته ای در هرم مدیریت ساختار جاسوسی اصلی آمریکا چنین روشی را برای پایان دادن به زندگی خود برگزید؟ و بطور کلی، آیا در این مورد باید از خودکشی صحبت کرد؟

فرضیه قابل توجهی را وبلاگنویسان آمریکا و کانادا در خصوص واقعیت خودکشی مطرح می کنند. تصمیم کمیته اطلاعات سنای آمریکا در باره گزارش منتشره از سوی سازمان اطلاعات مرکزی می تواند دلیل آن باشد. در این سند حجیم، صدها مورد مشخص راجع به استفاده از «روشهای خشن» در حین بازجویی توسط مأموران سازمان سیا و همتایان آنها در سازمانهای اطلاعاتی رومانی، لهستان، لیتوانی و دیگر کشورها ثبت شده است. سخن از افرادی می رود که به ظن تروریسم، بطور مخفیانه دستگیر و با هدف کسب این یا آن اطلاعات، در زندانهای مخفی شکنجه شدند.

در میان امواج هیستری این شکنجه های افسارگسیخته، بسیاری از مأموران سازمان سیا به ترفیع رتبه موفق شده و بخاطر کار در «شرایط ویژه»، جوایز فوق العاده اداری و پادشهای نقدی دریافت کردند. آنها تصور می کردند که صفحات خونین و غیرانسانی زندگینامه شان تا ابد در آرشیوهای سازمان سیا مدفون خواهد ماند. اما نام عاملان سفارشات جنائی بطور فزاینده ای ذکر می شود، واقعیت زشت شکنجه های وحشیانه بر روی فیلم ها ثبت و مستند گردیده، توسط کارشناسان مورد تحلیل و بررسی قرا گرفته، دیر یا زود در دعاوی قضایی که افراد بیگناه و آسیب دیده طرح خواهند کرد، مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

بر اساس یکی از گمانه زنی ها، **مقتول** مثل اسنودن برای فرار آماده می شد. او در واقع خیانت تشکیلات خود را در وارد کردن نامش در فهرست بزرگ سازماندهان زندانهای مخفی در کشورهای اروپای شرقی عملاً نبخشید. او حرف زیادی برای گفتن داشت. زیرا، وی قبل از تعیین **جان برنان** ریاست سازمان سیا، جزو اطرافیان نزدیک او و یکی از طراحان جنگ علیه افغانستان و عراق بود.

در دنیای وبلاگستان اطلاعاتی در این باره انتشار یافت که کشورهای اروپای شرقی اطلاعات خودکشی را تخصصی کردند. در سالهای اخیر او سرگرم مشکلات اوکراین بوده و روابط بسیار نزدیکی با همتایان خود در ضداطلاعات ارتش آمریکا و اداره مبارزه با مواد مخدر داشت. بنا به مفروضات وبلاگنویسان، افشای اطلاعات راجع به طرح و اقدام سازمانهای امنیتی برای خارج کردن کی یف از زیر نفوذ روسیه و اطلاعات مربوط به شبکه جاسوسی سازمان سیا در اوکراین، از جمله در درون رهبران کودتای ضد دولتی، می بایستی کارت شناسایی او پس از فرار باشد...

یکی از وبلاگنویسان چنین استنتاج می کند، که «این اسنودن جدید قصد داشت «بمب تازه ای» در باره جنایات سازمانهای جاسوسی آمریکا منفجر کند، اما او را شناسایی کردند. و پس از آن در بخش فوقانی ریاست سازمان سیا تصمیم گرفته شد که او باید خودکشی کند». هیچ کسی دلیل واقعی را مورد بررسی قرار نخواهد داد، [توسط مجریان] پوشیده خواهد ماند. دولت و سازمان سیا مناسب ترین راههای اختفای واقعیتها را بیان شده توسط آنهاست که جاسوس منصرف از خدمت را از پنجره به پائین انداختند، جستجو می کنند. آنها همیشه چنین افرادی را از میان برمی دارند. شمار چنین «خودکشی ها» در میان نه فقط مأموران سابق سازمانهای اطلاعاتی، حتی در میان نظامیان و مزدوران سابق آمریکا غیرقابل باور است. نباید فراموش کرد که بسیاری از بازگشتگان آنها به آمریکا، سعی کردند جنایات ارتكابی هموطنان آمریکائی خود علیه اسرای نظامی و افراد عادی بومی را افشاء نمایند، اما سپس ناگهان، ظاهراً بعلت افسردگی «با زندگی تسویه حساب کردند». با این وجود، مرگ آنها معمولاً یک دلیل دارد: حذف آنها توسط «پاکسازان» امنیت داخلی سازمان سیا.

مرجع اصلی تأیید پاکسازیهایی مجاز، رئیس سازمان سیا، **جان برنان** است. او با تعصب خاصی از هر گونه تلاش برای افشای اقدامات سازمان امنیتی عربستان سعودی در مورد سازماندهی حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به برجهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک ممانعت می کند. در آستانه وقوع آن حادثه، **برنان** تماس بسیار نزدیکی با همتایان عربستانی خود داشت. دلیل نگرانی او نیز همین است. انسانهای علاقمند به مطالعه گذشته همواره یافت می شوند. در ماه فوریه سال ۲۰۱۳، **فلیپ مارشال**، خلبان سابق سازمان سیا، نویسنده مشغول به مطالعه لکه های سیاه تاریخ معاصر آمریکا، از جمله آنها، به شناسایی «رد پای عربستان» در عملیات سیا، در خانه خود به قتل رسید. همراه با مارشال، **همسر، فرزندان و حتی سگ او** نیز کشته شدند. البته او قبل از مرگ کتابش را چاپ کرده بود، و در آن، در میان دهها پرسوناژ همدست در انفجار برجها از **جان برنان** نیز نام برده است.

در ماه اوت سال ۲۰۱۳، **میشل هاستینگز**، روزنامه نگاری که در طول چند سال مدارک افشاگرانه در باره **برنان** گردآوری می کرد، در تصادف اتومبیل کشته شد. **هاستینگز** بارها گفته بود، که مأموران سیا و پلیس فدرال او را تعقیب می کنند. حدس می زد، که مورد سوء قصد واقع خواهد شد. البته خود تصادف اتومبیل نیز که با سه انفجار در سالن «مرسدس» همراه بود، نگرانی وی را ثابت کرد. با این حال، تحقیقات لازم بعمل نیامد. جنازه **هاستینگز** را بدون اجازه بستگان او سوزاندند و خانواده اش آن را بعنوان زدودن آثار جرم معنی کردند.

سفر اخیر **جان برنان** به اوکراین در واقع بمعنی تلاش رئیس سازمان سیا برای دادن اطمینان به افراد تحت تابعیت خودش در **کی یف** بود. هیچگونه نشت اطلاعات و افشاگری جنجالی که بتواند به همکاری آمریکا و اوکراین در عرصه امنیتی لطمه بزند، روی نداد. حمایت مشورتی از شرکای اوکراینی توسط سازمان سیا، آف. بی. آی، ضداطلاعات ارتش و اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا ادامه خواهد یافت، «اطلاعات و ابزارهای مورد نیاز برای برقراری نظم در کشور، در اختیار آنها گذاشته خواهد شد». برای ارتقاء همکاری با اوکراین «اعزام یگانهای مشاور آمریکائی برای تقویت ساختارهای نظامی، از جمله برای حل فوری مشکلات جنوب شرقی کشور تسریع خواهد شد». چنین استنباط می شود که «مشاوران» جایگزین فرماندهان اوکراینی در عملیات خط مقدم جنگ با «جدایی طلبان» خواهند گردید.

جان برنان در پایان همه گفتگوها در همه دفاتر کار کی یف، این جمله را تکرار کرد: «خلق اوکراین قادر است آینده خودش را بدون مداخله از خارج تعیین نماید. و این همان چیزی است که آمریکا برای آن تلاش می کند».